

## مخزن الانشاء<sup>۱</sup>

(بقلم مؤلف آن مولانا حسین واعظ کاشفی هروی)

در کلکسیون نسخ خطی موزه کابل تحت نمره (۵۳) یک جلد کتاب خوبی بنام مخزن النشاء موجود است که از نقطه نظر کتاب شناسی اهمیتی را دارا است! و من میخواهم در اطراف این نسخه خوب معلوماتی را نوشته، و به خوانندگان محترم تقدیم دارم.

میدانیم که در اوایل قرن دهم هجری هرات ما یکی از کانونهای مهم ادب و آرت آسیای میانه بشمار میرفت، و در ظل علم پروری و هنر خواهی پادشاهان دانش دوست و رجال هنر پرور، آن شهر بزرگ، بسی از نواع ادب و آرت و دانش در آنجا فراهم آمده بودند!

یکی از فضلای نامدار و نویسندگان برجسته عصر کمال الدین حسین بن علی مشهور به واعظ کاشفی است، که به یکی از قرای سبزوار معروف به کاشف منسوب بوده، و از مشاهیر علمی وطن ماست.

این شخص از نویسندگان و علمائی است که آثار وی در تمام آسیای مرکزی و هند و خراسان شهرت و قبول عامه را یافته، و برخی از کتب وی باندازه مقبول افتاده، که در کتب نصاب درسی مکاتب و مساجد داخل بوده، و ارباب سواد و خوانش همواره ازان استفاده میکرده اند.

واعظ کاشفی این شهرت و مرتبت قبول عامه را ازین راه کسب کرده، که انشای روان و سلیسی را در زبان فارسی داشته، و اکثر کتب خود را مطابق سطح معلومات عامه می نوشته، و ذوق ادبی و علمی محیط را همواره مد مظر داشته

۱. آریانا سال ۱۳۲۴، ص ۴۲۶-۴۳۰.

است. از آثار وی مواهب علیه یا تفسیر حسینی و اخلاق محسنی و انوار سهیلی (کلیله و دمنه) نهایت مشهور بوده، و تا کنون هم در مکاتب خصوصی از طرف دانش جویان بذوق و شوق خوانده می شود، و طبقه با سواد وطن آنرا دوست دارند!

مولانا حسین علاوه بر سلاست و جودت انشاء و معلومات خوب ادبی و علمی شخصی پرکار و نویسنده بس مقتدریست، که آثار زیادی از خامه توانای وی سر زده، و از مؤلفین کثیر التالیف بشمار میرود، کتاب روضة الشهداء و جواهر التفسیر و لب لباب مثنوی و مخزن النشاء موجود ما هم از آثار خوب ویست. اگر مولانای مرحوم در برخی از آثار خویش قصص و روایاتی را که از نقطه نظر تحقیق و سنجش مقیاسهای دقیق علمی ارزش و مقامی را ندارد، داخل نمی ساخت، بلاشبته یکی از اعظم علمای اسلامی بشمار میرفت، ولی بسبب خلط پاره ازین چنین مواد غیر مستند، نزد محققین و دانشمندان ثقه از ارزش آثار وی کمی کاسته شده است!

چون درینجا مقصد من تنها معرفی یک اثر این نویسنده معروف وطن است بنا بران درین اطراف زیاده تر نه پیچیده، و مخزن الانشاء وی را تحت مطالعه و تدقیق قرار میدهم.

مخزن النشاء کتابی است در علم نگارش و انشاء که سه سال پیش از وفات مؤلف در ۹۰۷ هـ تألیف شده، و شاید از آثار آخرین واعظ کاشفی باشد، چه وفات وی در ۹۱۰ هـ، ۱۵۰۴ ع است.

حاجی خلیفه راجع باین کتاب می نویسد: "مخزن النشاء فارسی از معین الدین حسین بن علی الواعظ المکاشفی المتوفی ۹۱۰ هـ که یک عنوان و سه صحیفه و یک خاتمه دارد، عنوان آن در ادب کتابت، و صحیفه اول خطابیات و

دوم آن جوابیات و سوم آن احوال ضروری، و خاتمه در ادعیه و ثناء است، که برای سلطان حسین بایقرا تیموری و میر علی شیر وزیر وی تألیف شده.<sup>۱</sup> نسخ خطی این کتاب کم کم پیدا میشود، بقول بناغلی گویا یک نسخه دیگر آنهم به کابل در کتب خانه دارالتحریر شاهی موجود است، در هند هم نسخه قلمی انرا در کتب خانه معروف بانگی پور پتنه می یابیم که تحت نمره (۸۶۱-۸۶۶) ضبط، و دارای ۲۳۳ ورق ۱۹ سطریست، که بخط نستعلیق در ۹۲۰ هـ بقلم الله بخش لنکا لاهوری تحریر شده<sup>۲</sup> ولی نسخه موزه کابل ثقه تر و مهم تر از آن است و باین معنی که این نسخه غالباً بخط مؤلف کتاب است.

نسخه موجوده بقطع (۲۱x۲۹) سانتی متر است، که هر صفحه آن (۱۵x۲۴) سانتی نوشته داشته، و باقی آب بیاض و حاشیه است و صفحات آن از ۲۶ تا ۳۰ سطر دارد، که اکثر آنرا جداول مختلفه در فن انشاء فرا گرفته است.

مؤلف مرحوم کتاب خویش را به مثنوی ذیل آغاز می نهد:

حمد خداوند سرایم نسخت تا شود این نامه بنامش درست  
چهره کشای قلم نقش بند لوح نویس خرد ارجمند  
نامه گردون که بتحریر اوست یک رقم از خامه تصویر اوست

بعد از حمد و نعت بمقصد آغاز میکند، و راجع باهمیت خط و سواد چند صفحه می نگارد، و در اطراف کتابت معلومات میدهد و گوید:

”یکی از اقسام کتابت انتساخ است، که صور حروف و کلمات را بعینها از نسخه بنسخه دیگر نقل نمایند و متصدی این عمل را نساخ گویند.

دیگری استیفاست، و آن ترقیم رقوم محاسبات دیوانی باشد و مرتکب آن شغل را مستوفی خوانند، و دیگر انشاست و آن اخبار ما فی الضمیر باشد بدلالات الفاظ مکتوب بران؛ و کسی را که قادر باشد بر اظهار مخفیات ضمیر و

۱. کشف الظنون، ج ۲ ص ۲۴۷.

۲. مرآة العموم ج ۱ ص ۱۲۸.

مکنونات سرایر بطریق کتابت و ایصال آن معانی شخصی دیگر از نوع انسانی، او را منشی گویند، و فی الواقع فن انشاء در تحصیل مطالب و تکمیل مآرب محتاج الیه و مدار علیه است...<sup>۱</sup>

سطری چند بعدتر می نویسد:

”غرض از تمهید این مبانی و مقصود از تأکید این معانی آنکه مدتی آمید و عهدی بعید بود، که فقیر حقیر حسین ابن علی الکاشفی ایده الله باللطف الخفی میخواست، که در قسم اول از قسمین منشآت رساله ترتیب کند، که الفاظ و عبارات واقعه در مکاتیب باذهن اکثر ارباب زبان آشنا بود، و تشبیهات و استعارات آن از سمت اغلاق و تعقید مبرا و معرا...“<sup>۱</sup>

بعد ازین مولانا بمدح پادشاه عصر بنام ابو الغازی معزالسلطنه و الدنيا و الدین، و امیر کبیر علی شیر پرداخته، و می نویسد:

”و اساس این رساله که موسوم است به مخزن الانشاء بر عنوانی و سه صحیفه و خاتمه لایق افتاد.

عنوان در بیان آنچه کاتب را از دانستن آن گزیر نیست صحیفه اولی در خطابیات صحیفه ثانیه در جوابیات، صحیفه ثالثه در احوال ضروری الذکر. خاتمه در ایراد ادعیه که در اثنای کتابت احوال بدان احتیاج می افتد.

بدین وتیره مولانا کتاب خود را آغاز میکند، و از روی نسخه موجوده آشکار می گردد که باصطلاح امروزه این اثر رساله کوچکی نیست، بلکه کتابی است ضخیم، که با کمال دقت از روی اسلوب نامه نگاری آن عصر و طوریکه در خراسان رواج بود، تمام فصول این فن دران گرد آمده، و همه آداب و لوازم انشائی آنوقت درین کتاب با شرحی وافی نوشته شده است که تا ۵۰۰ صفحه کلان میرسد.

---

۱. صفحه سوم نسخه قلمی.

چیز دلچسپ و قابل تذکاریکه درین کتاب هست، همانا انتخاب بسی از اشعار فارسی و عربی است، که مولانا درین کار بیاوری قریحۀ روشن موفق شده، و بسی از اشعار اساتید را در جداول کتاب بموقع خود بهاده، و اگر گفته شود، که در انشای فارسی امروزه هم کار آمد است بعدی نخواهد داشت.

جداول این کتاب در انواع نامه ها رهنمای خوبی است، مثلاً در قسم اول که اسلوب نگارش نامه را بطبقۀ اعلی یعنی ماموران و سلاطین نشان میدهد. در یکستون جدول ابیات عربی و بعد ازان در ستون دیگر فارسی و بعد ازان الدعوات الافتتاحیه را بانشای روان و شیرینی می نگارد. جداول کتاب خیلی زیاد و حصۀ مهم آنرا فرا میگیرد، و در هر مورد جدولی علیحده طرح میکند و ستونهای آن موافق به موضوع تقسیم میشود، موضوعهای نامها را به ازخوانیات، و تفویض الاحوال، جوابیات، وغیره وغیره بخش و بعد ازان به طبقات مختلفه مانند پادشاهان، وزرا، رجال دولت، اشراف، شهزادگان، صدور مقرب، ممتازین علم و ارباب فضایل، اصحاب علوم شرعیه، حکام و متوسطین و اخوان و عوام وغیره تفریق و تبویت میکند، و لوازم هر گونه نامه را مانند ابتداء، مقدمۀ التفویض، بیان، تتمه، ختم وغیره جداگانه در ستونها علیحده شرح میدهد، و بهر تقریب ابیات مناسب و جملات منثورۀ شیرینی را می نگارد، که روی همرفته کتابش مجموعه دلچسپی است، از سبگ انشا و آداب و اصول نگارش آنروزه.

مؤلف در فراهم اوری تمام آداب کتابت و انشاء درین کتاب خیلی دقت نموده، و جزوی ترین لوازم آنرا نمانده، و تا توانسته است انواع نامه ها را که بطبقات مختلف مردم نوشته می شود، شرح داده است، مثلاً به خطاط، منجم، موسیقی نواز، غازی، اهل ورع، ارباب فتوت، فقراً، شعراً، اطباء، حکماً، حفاظ، محتسب، مؤذن، مفسر، محدث، خطیب، مفتی، منشی، مستوفی، متولی، ضابط وقف، یساول وغیره طبقات اجتماعی از بزرگان تا مادونان طرز نامه نویسی را

نشان میدهد، و برای هر یکی از آنها در انواع نامه‌ها ابیات و مصاریع و افراد و ثنائیات عربی و فارسی را بموقع خود انتخاب میکند، مثلاً به منجم باید نوشت:

مباد اختر خصم ترا سعود شرف      مباد کوکب بخت ترا هیوط و بال  
به طبیب باید نگاشت:

بهر شفای خلق جهان مستدام باد      انفاس روح پرور صحت فزای تو  
به خطاط نویسند:

ز فیض خامه تو تازه باد باغ فضایل      ز رشحه قلمت بارور نهال معانی  
خلاصه: ازین نقطه نظر که دران وقتها شالوده نامه نگاری برین داب و اسلوب استوار میشد کتاب ما قاموسی است مواج، و بلاشک مؤلف ادیب و فاضل آن داد تتبع و استقراً داده است، و این اثر مجموعه بزرگی از اسلوب فن نامه نگاری و انشای خراسان در قرن دهم بحساب می آید.

کسانیکه بخواهند در سبک های مختلف نامه نگاری زبان فارسی، بمرور عصرها و تفاوت ازمنه تحقیق و کاوش نمایند، این مجموعه بلاشک وریب نمونه و مخزن خوبی است، و نمودار تمام آداب و مراسم این فن در حدود قرن دهم هجری شمرده می شود.

اکنون که راجع باصل کتاب و محتویات آن کمی نوشته گردید، میخواهم در اطراف این نسخه که بخط مؤلف است هم مختصری بنویسم:

نسخه موجوده بخط نستعلیق که در حدود قرن دهم در خراسان رواج داشت نوشته شده، و جداول آن شنجرفی است که خطوط فاصل حواشی و متن کتاب یک خط طلائی هم دارد.

متن کتاب خوانا ولی خوشخط نیست، کتبی که در هرات درین عصر نوشته شده، اکثر آن بهمین اسلوب خط نزدیکند. حتی خط مولانا جامی علیه الرحمه نیز همین شیوه دارد ولی قدری پخته تر.

از خط و کاغذ و طرز نگارش پدید می آید که باید نسخه در قرن دهم و اوایل آن نوشته شده باشد و جنات احوال کتاب این مطلب را متبادراً بذهن بیننده کتاب شناس می سپارد. بعد از آنکه به آخر کتاب رجوع شود این مقصد به ثبوت میرسد زیرا تصریح شده که مؤلف آنرا در ۹۰۷ هـ نوشته است عبارات آخر کتاب که این مقصد را میرساند چنین است:

قدم فی اربعاً الرابع من شهر جمادی الثانيه ختمه الله بالخير و العافیه المنتظم  
فی شهر سنه سبع و تسعماته هجریه علی يد الفقير المعتمص بحبل رحمته الله  
الملك الوفی حسین ابن علی الکاشفی اید الله المنان باللطف و وقعت قطعة فی  
تاریخ ... منها الیوم و الشهر و السنه بالتمام نظم.

شکر الله که باتمام رسید این کتاب از کرم سبحانی  
چون بکلی قلم غالیه بار گشت فارغ زعبیر افشانی

سال و روز و مه اتمام نوشت

”بچهارم ز جمید الثانی“

مصراع اخیر بحساب ابجد ۹۰۷ هـ می شود که سال ختم تحریر کتاب است. کتاب اگر سرپا ملاحظه شود چون نام کاتب دیگر آن توضیح نشده و وجنات احوال و طرز خط و کاغذ و غیره آن هم حکم میکند بنا بران مانعی نیست که آنرا مکتوب بخط مؤلف نگوئیم.

از روی خطوطیکه بر کتاب نوشته شده و مواهیریکه بران موجود است بوضوح میرسد که این نسخه ۶۲ سال بعد از تحریر، در شعبان ۱۰۵۹ هـ در ملک علی اصغر الشریف سبزواری ابن محمد جعفر آمده و این شخص طوریکه از یادداشت های صفحه اول کتاب پدید می آید، شخص باذوق و عالم و نویسنده در عربی بوده است.

در سال ۱۱۷۲ هـ محمد تقی الحسینی القاینی بر حاشیه آن امضا کرده، و در آخر آن شخصیکه مسعود الحسینی نامداشت یادگار خود را بران نوشته و بلاخره

تصاریف روزگار کتابرا در حدود ۱۳۰۰ هـ بقندهار رسانیده و در ملک شخص ادیب و نویسنده در آمده که مرحوم سلطان محمد خان بارکزائی باشد، این شخص را ما خوب می شناسیم، و نویسنده کتاب معروفی است که تاریخ سلطانی نام دارد، و در هند در دو جلد طبع گردیده و متأسفانه جلد دوم آن که حاوی وقایع چشمدید مؤلف بوده بامر امیر عبدالرحمن خان ضبط و اتلاف شده است.

در سال ۱۳۱۳ هـ هم این کتاب در ملک شخص موصوف بوده، و بعد ازان از طرف محمد ادهم نام پسرش به موزه کابل آورده شده است.

**خلاصه:** نسخه ما در طول چندین قرنیکه بران گذشته خوشبختانه سالم مانده و جز نقص های جزوی که از دست صحافها به آن رسیده، دیگر اوراق آن سالم است، و اینک این اثر نفیس را که نمونه خط و فضلیت یکعالم وطن است، موزه کابل با اهتمام زیاد حفاظت میکند.

عبدالاحی حبیبی